

کووید ۱۹ و گذار به حکمرانی جهانی

برای کسی قابل باور نبود که در پایان دومین دهه از هزاره سوم، یک ویروس میکروسکوپی ظرف اندک زمانی این چنین؛ سرنوشت تمامی ساکنان سیاره مسکون را به بازی بگیرد و زندگی روزمره آنان را دستخوش دگرگونی مخاطره آمیز سازد؟! کرونا بار دیگر این واقعیت را آشکارا به انسان امروز نشان داد که در جهان جهانی شده (globalized world) موسوم به دهکده جهانی (global village) روزگار می گذراند.

سایت خبری پرسون-جهانی که به گونه ای متناقض نما علی رغم همه بزرگی اش، بر اثر تحولات شگرف عرصه حمل و نقل و ارتباطات دچار عارضه فشردگی فضا و زمان (time-space compression) شده است و هر روز کوچکتر از دیروز به چشم می آید و جهان در حال آب رفتن (shrinking world) لقب می گیرد. همچون دهکده ای که ساکنانش در شبکه ای درهم تنیده از تعاملات هرروزه، چنان به هم پیوند خورده اند که هر کنش و حادثه ای در یک گوشه از آن می تواند بلافاصله زندگی سایرین را تحت تأثیر قرار دهد.

تا چندی پیش چند نفر از ما نام «ووهان» را شنیده بودیم و حتی می دانستیم در کجای نقشه دنیا قرار گرفته است؟ اما همین شهر ناآشنا ناگهان در صدر اخبار همه خبرگزاری های جهانی می نشیند و مردم جوامع مختلف با ترس و وحشت از آن یاد می کنند. ویروس مرگبار کرونا از همین شهر سربرآورد، شتابان سراسر چین را درنوردید، سپس حمله ای فرامرزی به راه انداخت و سرزمین های دیگر قاره ها را عرصه تاخت و تاز خود کرد و خیلی زود تا آن سوی آب های آتلانتیک رسید و در خاک کشور ابرقدرت نیز جمع کثیری را به کام مرگ کشاند و همچنان در آن جا و همه جا از انسان های بی دفاع قربانی می گیرد.

روزگاری بود که مردم پنگه دنیا چنین می پنداشتند که به یمن قرار گرفتن قلمروشان در دل اقیانوس، از جنگ ها و ناامنی های دیگر نقاط جهان مصون هستند و می توانند آسوده در بهشت امن و آرام خود بی اعتنا به سرنوشت سایرین زندگی کنند اما جهانی شدن مدت هاست نادرستی این پندار را نشان داده است. شاید امروز شهروندان آمریکا این جمله جیمز روزنا در مقاله «نزدیکی های دوردست» را - که می گفت در دوران جهانی شدن می توان از تأثیر به هم خوردن بال یک پروانه در برزیل بر وضعیت جوّی آسمان شیکاگو بحث به میان آورد - بهتر از گذشته درک می کنند. البته جهانی شدن پیش از این نیز طعم مشکلات و تنگنایهای مشترک (collective dilemmas) را به همه مردم جهان چشاند بود. مثل وقتی که بحران مالی ۲۰۰۸ آمریکا کل اقتصاد جهانی را دستخوش رکود کرد یا زمانی که تروریسم و افراط گرایی داعش تنها به قلمرو خاورمیانه محدود نماند و ردپای خونین خود را در جوامع اروپایی نیز بر جای گذاشت؛ اما شاید هیچ بحرانی مانند کرونا این گونه جهان را به اپیدمی ترس و استیصال دچار نکرده بود.

ویژگی تنگنایهای مشترک در دوران جهانی شدن این است که تبعیض ها و تقسیم بندی های مرسوم و صناعی میان جوامع بشری را به رسمیت نمی شناسد و زیر سؤال می برد. ویروس کرونا قربانیانش را گزینش نمی کند. برای این ویروس هویت، نژاد، فرهنگ، دین، زبان و رنگ پوست قربانیان فرقی ندارد و دوقطبی هایی همچون جوامع غربی / شرقی، شمالی / جنوبی، مرکز / پیرامون، توسعه یافته / توسعه نیافته، دموکراتیک / غیرموکراتیک و فقیر / غنی بی معناست. طبیعتاً وقتی بحرانی در یک بستر مشترک جهانی شده حادث می شود، کم و بیش همه ساکنان سیاره را گرفتار می سازد چنان که امروز گرفتاری آمریکا و فرانسه و آلمان به عنوان پیشرفته ترین و ثروتمندترین کشورهای دنیا در مواجهه با اپیدمی مرگبار کرونا چه بسا بیش از افغانستان یا بنگلادش باشد.

بدون شک چالش ها و مسائل مشترک جهانی، تدابیر و راه حل های مشترک جهانی را نیز طلب می کنند. امروز بشریت با بحران هایی دست به گریبان است که چاره اندیشی برای رفع آن ها از عهده هیچ کشوری هرچقدر هم پهناور و ثروتمند و توسعه یافته به تنهایی ساخته نیست و احتیاج به مدیریت و تصمیمگیری جمعی دارد. خطر اشاعه سلاح های کشتارجمعی، آلودگی های شدید زیست محیطی، گرم شدن کره زمین و ذوب شدن یخ های قطب، فقر جهانی، تروریسم و افراطی گری، قاچاق مواد مخدر، نقض فراگیر حقوق بشر و شیوع بیماری های واگیر مانند ویروس کرونا از این جمله اند. چنین تنگنایهای مشترکی به ما هشدار می دهند که در عصر کنونی، دوران

حاکمیت های تک قطبی دولتی - خواه تک قطبی آمریکایی خواه چینی - به سرآمده و مدیریت جهان باید در مقیاس کلان نظام و به صورت دسته جمعی صورت پذیرد. مفهوم بلند «حکمرانی جهانی» (global governance) دقیقاً ناظر به همین نیاز است که به موجب آن تصمیمات جهانی در چارچوب ترتیبات مشترک و مبتنی بر قواعد و رژیم های جهانشمول و با مشارکت و نقش آفرینی هم افزای طیف متنوعی از کنشگران از دولت ها گرفته تا سازمان های بین المللی (IGOs)، سازمان های فراملی (NGOs)، شرکت های چندملیتی (MNCs)، گروه ها و افراد اتخاذ می گردد.

با این حال کارنامه ناامیدکننده ای که کشورها در مواجهه با یک چالش مشترک جهانی از همان روزهای نخست شیوع کرونا در چین و سرایت آن به دیگر کشورها بر جای گذاشتند، نشان داد که سوگمندها تا نیل به نقطه مطلوب راه درازی در پیش داریم. اتهام زنی های متقابل به یکدیگر با برچسب بیوتروریسم، سیاسی و امنیتی کردن یک موضوع پزشکی و ایجاد جنگ رسانه ای برای اعمال فشار بر دشمنان که به ویژه توسط دولت آمریکا و شبکه رسانه های همسو علیه ایران اعمال شد، بستن مرزها، انجام تحقیقات منفردانه برای یافتن راه درمان و واکسن ویروس به جای فعالیت جمعی، اجرای شیوه های متفاوت مقابله و کنترل در کشورهای مختلف، فقدان

همکاری ها و هماهنگی های بین المللی حتی میان دولت های توسعه یافته، انتشار خبرهایی مبنی بر سرقت ماسک و تجهیزات بهداشتی توسط برخی

کشورها از یکدیگر، مخالفت آمریکا با لغو تحریم های ایران در این وضعیت دشوار و حتی ممانعت از اعطای وام توسط صندوق بین المللی پول به ایران و مواردی از این دست نشان داد که هنوز منطق تنگ نظرانۀ دولت محور بر رفتار سیاستمداران جهان حاکم است و مادامی که چنین باشد، حکمرانی جهانی و به تبع آن رفع تنگناها و چالش های مشترک محقق نخواهد شد.

به نظر می رسد دنیا از لحاظ سخت افزاری بر اثر توسعه شتابان فناوری گام های بلندی به سوی جهانی شدن و شبکه ای شدن برداشته لکن نرم افزار حاکم بر مدیریت جهان همچنان همان نرم افزار سنتی و نخ نما شده دولت محور است و ناکارآمدی آن برای تدبیر مشکلات مشترک هر روز بیش از پیش نمایان می گردد. تحقق حکمرانی جهانی مستلزم گذار از امنیت ملی به امنیت بین المللی و حتی امنیت انسانی، گذار از جامعه بین الملل به جامعه جهانی و گذار از سیاست بین الملل به سیاست جهانی است. تنها در این صورت است که دامنه مسئولیت اخلاقی بشر گسترش خواهد یافت و انسان ها با اتخاذ رویکرد جهان وطن گرایی (cosmopolitanism) نسبت به غم و رنج تمامی بشریت فراسوی مرزهای صناعی ملی حتی مردمانی از دورافتاده ترین و فقیرترین نقاط این کره خاکی نیز دغدغه مند خواهند بود. اگر ویروس مرگبار کرونا با این حجم از تلفات جانی و مالی بتواند این درس را به بشر امروز بیاموزد، باز جای شکرش باقی ست.

نرجس رضایی-روزنامه نگار